

## گفت و گو محمود گبرلو با مهناز افشار در برنامه ۷

### نسبت به خودم متعهدم

یکی از بازیگرانی که توانست اقبال عمومی خوب خود را با زحمت و تلاش در مسیر درستی قرار دهد تا امروز هم به عنوان یک بازیگر پرطرفدار شناخته شود و هم بازیگری که در گنج افتخاراتش می‌توانید جوایز معتبر سینمای ایران را مشاهده کرد. مهناز افشار سرسختانه تلاش کرد که انگ بازیگر پرطرفدار فیلم‌های پرفروش از پیشانی‌اش برداشته شود و به عنوان یک بازیگر توانمند که در فیلم‌های شاخص سینمای ایران فعالیت می‌کند شناخته شود. فیلم‌های مهمی که طی دهه اخیر مهناز افشار بازیگر آنها بوده است تثبیت‌کننده موقعیت این بازیگر در محافل کارشناسی و تخصصی است. حرف‌های او نیز بر مسیر دشواری که او طی کرده تا به اهداف بزرگش برسد صحنه می‌گذارد، او در این گفت‌وگو درباره چگونگی ورودش به سینما اوج و فرودهایی که برای تثبیت در این حرفه پشت سر گذاشته شرایط حرفه بازیگری و غیره صحبت کرده است.

### از شما به عنوان استار سینما یاد می‌کنند چقدر این القاب را دوست دارید و می‌پسندید؟

اگر بخواهیم خیلی کلی و جهانی‌تر به این موضوع نگاه کنیم، استار سینما فاکتورهای زیادی را می‌طلبد که در سینمای ایران فکر می‌کنم ما شاید نتوانیم تمامی آن فاکتورها را در اختیار داشته باشیم. این‌که این لقب را به من می‌دهند خیلی خوشحالم و از همه تشکر می‌کنم اما فکر می‌کنم یک بازیگر اول باید پیش خودش و نظم و نزد قلب خودش استار باشد، اگر این اتفاق برایش بیافتد فکر می‌کنم که حال بهتری دارد بازیگری که تصمیم داشته باشد به بازیگری جدی‌تر نگاه کند و بخواهد به تعالی و افقی که در ذهن خودش ترسیم کرده برسد.

طبیعتاً این واژه‌ها یا کمی زمینی‌تر جوایز در راه رسیدن او به هدفش اهمیت بیشتری پیدا می‌کنند و مسئولیت‌شان بیشتر می‌شود اما در حالت کلی برای هر بازیگری این مهم است که چه هدفی دارد که هدف من اینست که فقط ویتترین باشم و دیده شوم خوب تا آنجا خیلی هم عالی است اما بعد از این وضع فرق می‌کند. حالا دیگر بحث بر سر ماندگاری است و به نظرم ماندگاری خیلی کار سختی است، برای همین

است که ما زنده‌یاد فنی زاده خانم تسلیمی آقای وثوقی و ... را یاد می‌کنیم و آن‌ها را نمی‌توانیم فراموش کنیم.

**وقتی یک بازیگر با لقب استار یا سوپر استار خوانده می‌شود بازیگری برای شکل متفاوتی پیدا می‌کنند شما چگونه به این تغییر رسیدید؟**

بسیار سخت بود و مراحل زیادی را می‌طلبید هم باید می‌آموختم و یاد می‌گرفتم هم باید فیلم می‌دیدم، کتاب می‌خواندم، از کسانی که اطلاعات بیشتری از من داشتند مشورت می‌گرفتم و خیلی کارهای دیگری که هر بازیگری باید آن‌ها را انجام بدهد.

**و فکر می‌کنید الان در چه جایگاهی قرار دارید؟**

راستش را بخواهید من درباره خودم خیلی سخت گیرم. هنوز فکر می‌کنم که برای ماندن مسیر مهم سختی را درپیش رو دارند به نظر ماندن نام نیک از آدم و ماندگاری درست، ارزش خیلی بالایی دارد که در کارنامه‌ات فیلم خوب داری ضعف‌هایی داری، قوت‌هایی داری و ... به کنار ولی من دوست دارم اگر عمری بود سنی از من گذشته بود، با خود نشستم و به گذشتم نگاه کردم وقتی به خودم و کارنامه‌ام نگاه کردم بگویم خدا را شکر.

**در یک مقطع منتقدان وارد حوزه بازیگری شما شدند و نظرات متفاوتی ارائه دادند شما چه تحلیل و نظری دارید نسبت به نظر منتقدان، با نوشته‌های آن‌ها ارتباط دارید، جایگاهی برای آن‌ها قائل اید؟**

بله، بله، به شدت. قبل از اون باید بگویم دوست دارم آدم‌ها با همه سلیقه‌ها و همه تفکرات کار کنند و اجازه بدهیم هنر وسعتش آن قدر زیاد شود که حتی اگر من بازیگری هستم که فیلم ضعیف در کارنامه‌ام دارم نقد درست بشوم و نقد سازنده بر عملکرد من صورت بگیرد چون معتقدم که یک نقد خوب می‌تواند به من و همه بازیگران ایرانی کمک کند حتی اگر کل کارنامه من اشتباه است. منتقدان می‌توانند به گونه‌ای به نقد من بپردازند که من از آن‌ها یاد بگیرم اتفاقاً من دوتا جایزه‌های خیلی خوبش اینه زندگی ما از منتقدان گرفتم، یک جایزه برای فیلم طبقه سوم و یک جایزه برای برف روی کاج‌ها.

بله ، البته در این بین ، شور عشق را بهتر است نپردازیم ؟

چرا نه ، اتفاقاً در زمان خودش فیلم خیلی خوبی بود.

اما با این که شروع بازیگری شما بود مصادف شد با سالی که منتقدان تصمیم گرفتیم بدترین ها را هم انتخاب کنند و متأسفانه نظر خوبی نسبت به آن فیلم نداشتند ؟

زرشک زرین را می گویند دیگر.

ساخت انواع مستند زندگینامه، اجتماعی، تاریخی و...

زرشک زرین ، بله ؟

من این قضیه همیشه برایم سوال بود که چرا فقط یک بار تصمیم گرفته شد زرشک زرین به بدترین فیلم سال داده شود و آن هم به فیلم ما داده شد و بعد از آن دیگر چنین جایزه‌ای را در نظر نگرفتند اما به نظرم اتفاقاً در نظر گرفتن جایزه قشنگ است و کشورهای دیگری هم یکسری جوایز به بدترین ها داده می‌شود و این حرکت با لحن احترام‌آمیز همراه باشد ایرادی ندارد و اتفاقاً سازنده است.

آن موقع هم که شنیدید شور عشق زرشک زرین انجمن منتقدان نگرفته همین حس را داشتید ؟

آن موقع نه ، آدم که با خودش تعارف ندارد آن موقع خیلی هم عصبانی شدم اما بعدها به این رسیده‌ام که ما باید یاد بگیریم که برای تعالی روح مان تلاش کنیم ، به این که با کسی در جنگ نیستیم ما قرار است که زندگی کنیم ، گفتگو کنیم ، حرف بزنیم و نقد کنیم ( [سری به صفحه نقد فیلم هایمان بزنید](#) ) ولی با احترام تا زمانی که احترام وجود داشته باشد حرف اثرگذار است و آدم به نظر و نقد گوش می‌دهد و می‌تواند حتی بر اساس نقدها رویه‌اش را تغییر دهد . اما اگر بی‌احترامی صورت بگیرد نتیجه نمی‌دهد شاید وقتی کمی جوان‌تر بودم در این مواقع جنگ می‌کردم ولی الان وقتی که بی‌احترامی ببینم عبور می‌کنم.



البته بعضی‌ها می‌گویند بی‌رحمی در ذات منتقدان است و معتقدند که در دنیا هم رسم است که منتقدان تند برخورد می‌کنند ؟

اشکالی ندارد هر کسی یک سمت و عنوان دارد و براساس آن تیتر و عنوان یک سری وظیفه دارد اما وظیفه انسانی من به‌عنوان یک بازیگر و فرد دیگری به‌عنوان یک منتقد این است که احترام یکدیگر را نگاه داریم . می‌توانیم نقد کنیم ، می‌توانیم پاسخ بدهیم ، به هم جواب بدهیم اما با احترام

**تغییر نگرش‌تان در بازیگری چقدر متأثر از نقد و نظر منتقدان بوده است ؟**

حتماً از نظر منتقدان استفاده کردم و خواندن نوشته‌های آن‌ها در روند بازیگری من بی‌تاثیر نبوده ، هم نظر منتقدان ، هم نظر همکارانم ، دوستانم و خانواده‌ام.

برخی از کارگردان‌ها براساس حال و هوای فیلمشان به سمت استفاده از نابازیگران حرکت می‌کنند شما به‌عنوان کسی که حالا یک بازیگر حرفه‌ای هستید چه دیدگاهی نسبت به حضور نابازیگرها در فیلم‌های ایرانی دارید؟

راستش زمانی که وارد سینما شدم، تحصیلات آکادمیک جدی در این زمینه نداشتم پس نمی‌توانم نظر بدهم که نابازیگر حق ورود به سینما دارد یا نه اما به یک قضیه کلی‌تر قائلم. این که شاید ورود به عرصه بازیگری زیاد هم سخت نباشد اما شرط تسلیم ماندگاری یک بازیگر است.

### و ماندگاری سخت است؟

بله. حال اگر بازیگری باشی یا نابازیگر فرقی نمی‌کند مهم ماندگاری است. وقتی کار برای من جدی شد شروع کردم به کلاس رفتن، درس خواندن و شاگردی کردن. اگر این رفتار برای هر نوع بازیگری جدی باشد او هم می‌تواند این‌گونه کیفیت کار خودش را بالا ببرد و این اتفاق برای او هم می‌تواند بیفتد. البته من اعتقاد دارم اگر کمی ماجرا را به‌صورت ملک شخصی این و آن نگاه نکنیم دعواها و تصفیه حساب‌ها کمتر خواهد شد سینما به‌مثابه یک مادر می‌تواند فرزندان مختلفی داشته باشد.

نمی‌تواند بر اساس فرزندانش نگاه‌ها و شیوه‌های تربیتی مختلفی را به کار بگیرد. ما بازیگرها هم هیچکدام شبیه هم نیستیم ولی می‌توانیم کنار همدیگر با احترام کار کنیم. فقط بحث بازیگران نیست اگر این نگاه را داشته باشیم که سینما ملک شخصی نیست باید سوال کنیم که چرا خانم بنی‌اعتماد گفت و گو های خانم بنی اعتماد را از این قسمت مطالعه نمایید نیست. امثال آقای تقوایی و فرمان‌آرا فعال نیستند، چه اشکالی دارد که آن‌ها باشند و بقیه هم باشند سینما متعلق به همه ماست. حال در حرفه ما هم نابازیگر بیاید چه ایرادی دارد، نابازیگر یاد می‌گیرد تا روزی به یک بازیگر توانا و موفق بدل شود.

### به شرطی که استعداد بازیگری را داشته باشد و بدرستی این راه را آمده باشد؟

بله. هم این شود مهم است و همین که چشم انداز روشنی از بازیگری داشته باشد. بازیگری در ابتدا خیلی جذاب است. ویتترین است و بازیگر را در یک فضای پر از نور قرار می‌دهد. اما بعد در برابر همه نورهایی که به تو تابیده‌شده، مسئول هستی.

یعنی کسی که وارد سینما و عرصه بازیگری می‌شود حتماً باید به سمت تعهد حرکت کند؟

بله، کاملاً این‌گونه فکر می‌کنم.

**شما با چه تعهدی در سینما گام برمی‌دارید؟**

من به باورهاییم، به عقایدیم، به قلبم، به روح متعهد هستم. اگر مسیر تعالی را در هنر یافتیم و فهمیدیم که هنر مسیر تعالی را برای من روشن‌تر می‌کند و مسیر را به من نشان می‌دهد. یعنی اگر من به تعهد نسبت به خودم عمل کنم، در سینما هم می‌توانم گام درستی بردارم.

**تا امروز که به معنای هفت آمده‌اید، نزدیک به چهل فیلم بازی کردید. خودتان فکر می‌کردید چهل فیلم سینمایی بازی کنید؟**

نه واقعاً.

**چه خاطراتی از این فیلم‌ها در ذهن دارید؟ کدام یک از این فیلم‌ها را بیشتر می‌پسندید؟**

الان که گفتید چهل فیلم دارم فکر می‌کنم چقدر عجیب و چقدر سریع، خیلی حضور ذهن ندارم ولی چند تا از فیلم‌ها برای من مانده‌اند. بخش‌هایی از فیلم انعکاس نشان دادید و جزو فیلم‌هایی که من خیلی دوستش داشتم. آتش‌بس را هنوز که هنوز است وقتی نگاه می‌کنم از آن لذت می‌برم. سالاد فصل، سعادت‌آباد و... فیلم‌های دیگری که نامشان را از قلم انداختم و امیدوارم که سوءتفاهم ایجاد نکند فقط اعتراف می‌کنم هر فیلمی که بازی کردم که در کارنامه من است چه ضعیف و چه قوی، حضورم در همه آن‌ها مفید بوده است. اگر امروز در هر جایگاهی قرار دارم، به‌خاطر تجربیاتی است که از بازی در آن فیلم‌ها بدست آوردم.

**از بین فیلم‌های مختلفی که بازی کردید، مردم به تعدادی از آن‌ها رای داده‌اند. خودتان کدام را بیشتر دوست دارید؟**

من همه فیلم‌هایم را دوست دارم.

**همه را ، کدام را بیشتر دوست دارید ؟**

برف روی کاجها ، من همیشه جمله‌ای درباره این فیلم می‌گویم . این‌که رویای برف رویای من شد. فیلمی که متأسفانه با کم‌لطفیها دیر و بد اکران شد ، یکسری سینما نداشت و این در حالی بود که علی‌رغم جوسازی‌ها این فیلمی بود که نگاه خیلی مثبتی به روشنی به اصول و چارچوب خانواده داشت و فیلمی که آن را خیلی دوستش داشتم.

**اما خیلی‌ها نمی‌پذیرفتند که این فیلم در چارچوب و اصول خانواده قرار دارد؟**

عده‌ای در رویارویی با برف روی کاجها ، نسبت به این فیلم و سازنده‌اش کمی کم‌لطفی کردند . بله آن‌ها نظرشان این بود که برف روی کاجها به اصول خانواده درست نگاه نکرده ، در صورتی‌که نیت ما اصلاً این نبود . تمامی عوامل این فیلم صاحب خانواده هستند روابط را می‌شناسند چارچوب را می‌دانند و ما خیلی سعی کردیم این فیلم پیامی مثبتی داشته باشیم . دوست دارم واژه درست به کار ببرم و خیلی با واژه‌های منفی مثل بستن و تحریم و توقیف و ... میانه‌ای ندارم.

می‌توانم خوش‌بین باشم و بگویم که روایت و قصه این فیلم به گونه‌ای بود که بعضی از دوستانی که کم‌لطفی داشتند آن را خوب متوجه نشده بودند ، گرچه هنر می‌تواند که سلیقه‌های متفاوتی را دربر بگیرد و فیلم‌ساز می‌تواند برای القای ذهنیت خودش قصه‌های مختلفی انتخاب کند . فیلم هیچ مشکلی نداشت اما عده‌ای دم از گذر از خطوط قرمز سخن می‌گفتند من فکر می‌کنم تمامی سینماگرانی که در ایران کار می‌کنند خطوط قرمز ، چارچوب‌ها و قوانینی را که باید رعایت کنند دقیقاً می‌دانند. من فکر می‌کنم اگر این قضاوت را داشته باشیم که ما در فیلم برف روی کاجها خط قرمزی را رد کرده‌ایم یا تنگ‌نظرانه به قضیه نگاه کرده‌اند یا اصولاً خط قرمز نمی‌شناسند.

**حالا که بحث خانواده و بازیگری و شناخت و چارچوب‌ها به میان آمد وضعیت بازیگری زنان سینمای ایران را چطور می‌بینید ؟**

من فکر می‌کنم بازیگرهای خانم در سینمای ایران بسیار موفق هستند . اکثر آن‌ها دوستان و همکاران بسیار خوب من هستند و در شرایطی که معمولاً به قصه فیلم‌های خیلی سخت به بانوان می‌پردازد فکر می‌کنم بازیگرهای خانم خیلی خوب از پس این موضوع برمی‌آیند و نقش‌هایشان را خوب ایفا می‌کنند ، به‌طوری‌که در همین چند سال اخیر کم‌بازی‌های درخشان از خانم‌ها ندیده‌ایم.

**در این میان رقابت بوجود می‌آید . رقابتی که در سینمای ایران خیلی جدی است بخصوص در بین بازیگران و بلاخص در بین بازیگران زن . با حضور در این رقابت‌ها چطورید ؟**

نمی‌دانم چرا هر وقت بحث خانم‌های سینمای ایران مطرح می‌شود ، همه فکر می‌کنند رقابت بین خانم‌ها سخت‌تر است و یا مثلاً در آن ممکن است حسادت وجود داشته باشد و ... ، واقعاً این‌گونه نیست ، حداقل آن تعداد بازیگرانی که من می‌شناسم این‌گونه نیستند و اگر هم رقابت وجود داشته باشد از نوع خیلی خوب و محترم آن است . این را هم باید بدانیم جایی که رقابت وجود نداشته باشد و آدم به فکر پیشرفت نباشد ، فکر نمی‌کنم اتفاقی ایجاد شود.

**بله ، رقابت باعث شکوفایی می‌شود یادم هست زمانی که فیلم سعادت‌آباد به نمایش درآمد حضور سه بازیگر مطرح زن در آن فیلم ، یک رقابت حساس را ایجاد کرده بود ؟**

بله، شیبی سه خانمی که اعتراف می‌کنم یکی از بهترین همکاری‌هایمان را در آن فیلم با هم داشتیم . یعنی من ، خانم حاتمی و خانم قاضیانی ، آن‌قدر روابط خوبی با هم داشتیم و به درآمدن حس و حال یکدیگر کمک می‌کردیم که این همکاری و حس خوب در نتیجه بازی‌هایمان خوب بخودمان اثرگذار بود و به نظرم اتفاق خوبی بود . فرقی هم نمی‌کند که رقابت در بازیگران مرد باشد یا بین خانم‌ها رقابت باعث می‌شود که این حرفه جدی گرفته شود یعنی می‌تواند همیشه اتفاق منفی ایجاد نکند و باعث تعالی شود . وقتی شما مسمم هستی مرحله به مرحله جلو بروی ، اگر نگاه مثبتی داشته باشی ، با خودت در صلح باشی و اصلاً هدف‌ت هدف دیگری باشد ، رقابت می‌تواند نقش مثبتی داشته باشد تا به آن نتیجه که می‌خواهی برسی.



## جایزه‌ها چه تأثیری می‌تواند در عملکرد یک بازیگر داشته باشد؟

معتقدم کسب جایزه خیلی شیرین است . تشویق از کودکی برای همه مجزا بوده است . همیشه وقتی تشویق می‌شدیم ، ترغیب می‌شدیم که بهتر باشیم و یه کم جلوتر بیاییم و جدی‌تر به موضوع نگاه کنیم الان هم ماجرا همین است به اضافه این‌که جایزه بار مسئولیت هر بازیگر را بیشتر می‌کند طبیعتاً من بعد از دریافت جایزه‌هایم خیلی سخت می‌توانم انتخاب کنم چون فکر می‌کنم در قبال مردم منتقدان و فیلمسازان مسئولیت بیشتری دارم و این کار را سخت‌تر می‌کند.

تجربه بازیگری و نقاط عطفی که پشت سر گذاشته‌اید خیلی در مسیر حرکتی شما تاثیر مثبت گذاشته اند شما در رشته تدوین تحصیل می‌کردید که بعد به سراغ بازیگری رفتید برای کلاس‌های بازیگری حضور یافتید و بسیاری از جوانان علاقه‌مند به بازیگری که با برنامه هفت در تماس هستند این سوال را دارند که:

**برای بازیگر شدن یا پیشرفت در بازیگری تجربه مهمتر است ، تحصیلات دانشگاهی مهمتر است یا...؟**

تحصیلات دانشگاهی حتماً می‌تواند مؤثر باشد به دلیل این‌که استعداد ذاتی ماست ولی ما نیاز داریم یک چیزهایی را بدست بیاوریم تا به اصطلاح هدر نرود و در مسیر درستی مورد بهره‌برداری قرار گیرد و فکر می‌کنم آشنایی با دانش بازیگری برای هر بازیگری لازم است . بسیاری از بازیگرانمان را می‌شناسم که پژوهش تجربی شروع کرده اند و وقتی بازیگری برایشان جدی شد ادامه تحصیل دادند . حتی اگر قبلاً یک رشته ای خوانده بودند بار دیگر دنبال یادگیری مجدد رفته اند . من تدوین می‌خوانم و بعد مدتی شاگرد مرحوم سمندریان بودم که مقطع مفیدی برای زندگی حرفه‌ای من بود و تاثیر زیادی در بازیگری و دیدگاه من نسبت به فعالیت هنری گذاشت.



البته همه کلاس‌های بازیگری که نمی‌توانند مفید قلمداد شود ، اما تجربه سینما به ویژه کار با فیلمسازان قدیمی می‌تواند برای هر سینماگر یک فرصت ویژه باشد؟

همین‌طور است که شما می‌گویید سر صحنه فیلم آقای کیمیایی بودم که یادم است یکی از همکاران من به بریده روزنامه‌ای اشاره کرد که در آن نوشته شده بود آموزش بازیگری در سه ماه خب خیلی در دناک است ، مگر ماجرا شوخی است هیچ چیز در سه ماه نمی‌توان یاد گرفت . اما اگر آموزشگاه بازیگری نیتش پرورش استعداد جوان علاقه‌مند به بازیگری باشد قطعاً مفید هستند و جودشان لازم است.

سینمای ما به چهره‌های جدید و مستمر مستعد نیازمند است و مردم هم دوست دارند چهره‌های متفاوتی را ببینند و من در چند کلاس بازیگری رفت‌وآمد داشتم و می‌دیدم که چقدر دلسوزانه به شاگردانشان می‌رسند مشخص است که این دغدغه را دارند ، البته این را بگویم که همه چیز با استاداها و آموزش‌ها بستگی ندارد و آن‌هایی که قرار است در آموزشگاه‌ها بازیگری یاد بگیرند باید بدانند تا سال‌های سال باید یاد بگیرند و این‌گونه نیست که هر وقت از آموزشگاه بیرون آمدند دیگر همه‌چیز تمام شده است ، من خودم سر فیلم آقای مهرجویی ، کیمیایی دائم در حال یاد گرفتن هستم چون معتقدم ما خیلی کار داریم تا به اندوخته‌های مان اضافه شود . آن‌ها پر از تجربه اند و براحتی از آن‌ها یاد می‌گیرم . باید همکاری با قدیمی‌های سینما خیلی برایم ارزشمند باشد.

### **متروپل هم این‌گونه بود؟**

بله متروپل حال و هوایی داشت که بسیار دوست می‌داشتم . این فیلم لحظه‌های نابی را در بازیگری به من داد ، که بعد از این‌همه سال فکر می‌کنم خستگی رو از تنم به در برد.

### **با آقای مهرجویی چطورید؟**

من اعتقاد دارم که بعضی اسامی اعتبار کارنامه آدم هستند . مثل آقای مهرجویی ، مثل آقای کیمیایی و من آنچه که باید را از آقای مهرجویی آموختم.

### **فریدون جیرانی چه ویژگی‌هایی دارد؟**

من همیشه به دوستانی که برای اولین بار می‌خواهند با فریدون جیرانی همکاری کنند این را می‌گویم که جلوی دوربین‌های آقای جیرانی حسی را تجربه می‌کنید که به تابحال آن را تجربه نکرده‌اید . آقای جیرانی

پر از تولد است، پر از شوق و ذوق و هیجان است و این حس را به بازیگر انتقال می دهد . ضمن آنکه من به عنوان یک بازیگر وقتی می بینم که کارگردانم هم ضعف های من را درست می بیند و هم قوت های من را در نظر می گیرد واقعاً از همکاری با او لذت می برم.

### علاقمندان به مطالعه متن فیلمنامه کلیک کنید

**هم فیلم های گیشه ای بازی کرده اید و هم فیلم های خارج از تعریف سینمای بدنه و برخوردهایی که بابت بازی در فیلم ها با شما صورت می گیرد چه واکنشی دارد ؟**

یادم است که اوایل حضورم در سینما همیشه می گفتم مهناز افشار بازیگر سینمای بدنه و فیلم های تجاری است . آن زمان آن حرف ها را می زدند و حالا می گویند بازیگر فیلم های تجربی و روشن فکر و... راستش را بخواهید با احترام به همه این تفکیک ها و سلیقه ها معتقدم فیلم باید فیلم محترمی شاید که تماشاگر عام و خاص با احترام از آن یاد کنند آتش بس ، سعادت آباد ، برف روی کاج ها و خیلی از فیلم های دیگر را هم تماشاگر عام می فهمد و هم تماشاگر خاص . یا فیلم هیچ کجا هیچ کس به نظرم فیلم متفاوتی بود و ساخته شدن آن توسط ابراهیم شیبانی خیلی جسارت می خواست فیلمی کاملاً متفاوت و محترم و جزو فیلم هایی است که من دوستش دارم یا پل چوبی که من نگاه و روایت مهدی کرم پور را در آن دوست دارم و می توانست زودتر از این به نمایش درآید ، تاخیر در اکرانش کمی بی انصافی بود.

**و نکته اینجا بود که در این فیلم پس از سال ها با بهرام رادان همبازی شدید ، یعنی بازیگری که به همراه او در اولین تجربه سینمایی مشترکتان جلوی دوربین رفته بودید ؟**

بله ، بعد از سال ها بود . برای ما هم خیلی جالب بود اولین کاری که ما با هم کردیم فیلم شور عشق و بعد از آن البته چندین بار فیلمنامه هایی به ما داده شد که یک کار مشترک دیگر هم داشته باشیم اما ما تصمیم گرفته بودیم زمانی این کار را بکنیم که فیلمنامه ارزش این همکاری داشته باشدو به نظرم پل چوبی همان فیلمنامه ای بود که منتظرش بودیم.

## شما وارد عرصه تئاتر شده‌اید ، چه احساسی دارید از بازی در صحنه نمایش دارید ؟

فکر می‌کنم صحنه نمایش ، صحنه آموختن است . صحنه بسیار ارزشمندی است که باید احترامش را حفظ کرد . من بازیگر تئاتر نبودم که از صحنه نمایش وارد سینما بشوم . وقتی هم که دو تجربه تئاتری را پشت سر گذاشتم ، سعی کردم که بیاموزم و اصلاً ادعایی در این زمینه ندارم . بازی در تئاتر برای من خیلی سخت بود و یادم هست در بسیاری از شب‌های اجرا آن قدر ناآرام بودم که برای آنکه آرام شوم قرص می‌خوردم.

## و در یکجا خوانده بودم که بازی در تئاتر زیاد باروحیه شما سازگار نیست واقعاً این‌گونه است ؟

خب ، بله دوستان تئاتری‌ام گاهی از من ناراحت می‌شوند می‌گویند اگر همچنین چیزی باشد چرا این را اعلام می‌کنی . حرف من این است که تئاتر کار بزرگی است و حوصله‌ای را می‌طلبد که شاید در من وجود نداشته باشد ، شاید هم ازین بابت که من چه در آن زمان که تدوین می‌خواندم و چه ارتباط بیشتر با دوربین سینما و تلویزیون بود تا صحنه نمایش با این اوصاف دوست دارم سالی یک‌بار در یک نمایش بازی کنم اونم به این علت که نیاز روحی من است و زمینه ای مفید برای آموختن من به شمار می‌رود .  
تداوم حسی بازیگر روی صحنه این‌که فرصت کات دادن وجود ندارد که نمی‌توانیم به کارگردان بگویید لطفاً یک بار دیگر تکرار کنید و ... این‌ها تجربه‌هایی بود که من از بازی در تئاتر کسب کردم گرچه چند تجربه تئاتری من نوعی تلفیق تئاتر و سینما بودند که بازی در آن‌ها تفاوت عجیب با بازی در سینما نداشت .

## دغدغه خانم افشار در این سن و در این دوران چیست ؟

اگر شعار محسوب نشود ، دغدغه این روزهایم اول رسیدن به انسانیت است و دوم نزدیک شدن به رؤیاهایم.

**پایان.**